

مشروح مذاکرات شورای فقهی

بانک مرکزی

یکصد و سی و سومین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶

اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

پاییز ۱۴۰۴

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.cbi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شناسه گزارش: ۱۴۰۴۰۸/۹۶/۱۳۳/۱

عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی*

یکصد و سی و سومین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶

واژگان کلیدی: شورای فقهی، بانکداری اسلامی، مشروح مذاکرات، بازار بین بانکی، ربا.

تاریخ انتشار گزارش: پاییز ۱۴۰۴

* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.



استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)..... ۲

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع: جمع‌بندی نهایی در رابطه با «دستورالعمل اجرایی معاملات در

بازار بین بانکی ریالی»..... ۳

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)^۱

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله محمدسعید واعظی (عضو شورای فقهی)
۳. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۴. آیت الله حسینعلی سعدی (عضو شورای فقهی)
۵. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)
۶. حجت الاسلام والمسلمین محمد باقری بنابی (نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو شورای فقهی)
۷. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۸. آقای دکتر محمود ابراهیمی (عضو شورای فقهی)
۹. آقای دکتر علی خورسندیان (عضو شورای فقهی)
۱۰. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (عضو شورای فقهی)
۱۱. آقای دکتر محمدرضا حسینی‌پور (دستیار ویژه قائم مقام رئیس کل بانک مرکزی)
۱۲. آقای دکتر سید علی اکبر میرعمادی (مدیر کل امور دادستانی و صیانت از مشتریان بانک مرکزی)
۱۳. آقای دکتر حسین صدقی (مدیر کل تنظیم مقررات بانک مرکزی)
۱۴. آقای دکتر مهرزاد ذاکری (مدیر کل امور مجلس و دولت بانک مرکزی)
۱۵. آقای دکتر حسین میثمی (مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیر شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۶. خانم معصومه رسولی (مدیر اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)
۱۷. آقای حسن آذر مهر (رئیس گروه اداره مطالعات و مقررات بانک مرکزی)
۱۸. خانم سیده سبا سلیمانی (معاون اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)
۱۹. آقای محمدحسین منصوری (رئیس گروه اداره تدوین رویه حسابداری و حسابرسی بانک مرکزی)
۲۰. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۱. آقای علی نظری (رئیس گروه اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۲. آقای محمدحسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۳. خانم مریم بیدخوری (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۴. خانم اعظم حسینخانی (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۵. آقای مهرداد رضانی (رئیس دایره اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)
۲۶. آقای ناصر فعلی (محقق اداره سیاست‌های پولی بانک مرکزی)

^۱ از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقایان دکتر محمدپور و دکتر افشار در این جلسه حضور نداشتند.

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع: جمع‌بندی نهایی در رابطه با «دستورالعمل اجرایی معاملات در

بازار بین بانکی ریالی»

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: دستور کاری که امروز در شورای فقهی مطرح است، موضوع آسیب‌شناسی معاملات بازار بین بانکی از منظر فقهی است. این موضوع تاکنون در دو جلسه شورا مورد بحث قرار گرفته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آغاز این بحث به نامه سازمان بازرسی کل کشور باز می‌گردد. در ابتدای جلسه، بنده خلاصه‌ای از مباحث جلسات پیشین، مصوبه قم و جمع‌بندی دبیرخانه را خدمت اعضا ارائه خواهم کرد. پس از آن، خانم رسولی از اداره تخصصی ذی‌ربط نیز توضیحاتی ارائه خواهند داد تا در این جلسه تصمیم‌گیری نهایی انجام شود.

در تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ سازمان بازرسی کل کشور طی نامه‌ای خطاب به بانک مرکزی، با استناد به ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی، تأکید کرده است که کلیه قراردادهای مورد استفاده بانک مرکزی و مؤسسات تحت نظارت آن باید به تأیید شورای فقهی برسد. لازم به ذکر است که پیش از طرح این موضوع توسط سازمان بازرسی، دبیرخانه شورا حدود یک سال قبل در کارگروه تخصصی فقهی (کارگروه قم) این موضوع را بررسی و گزارش علمی آن را تهیه کرده بود. با وصول نامه سازمان بازرسی، موضوع با جدیت بیشتری پیگیری شد. در ادامه، مکاتباتی با اداره عملیات بازار باز صورت گرفت و جمع‌بندی‌های حاصل از مصوبه کارگروه قم و سازمان بازرسی، به آن اداره اعلام گردید.

در پاسخ دریافتی از اداره عملیات بازار باز، نکاتی مطرح شد که از جمله مهم‌ترین آنها، اشاره به مرقومه آیت الله رضوانی در خصوص بازار بین بانکی مورخ ۱۳۸۶/۰۲/۲۷ است. ایشان در آن مرقومه بیان داشته‌اند که «بازار بین بانکی در چهارچوب بانکداری بدون ربا، فاقد اشکال است». البته از منظر دبیرخانه، این بیان در حکم اظهارنظر کلی بوده و بدین معنا نیست که همه ابزارهای مورد استفاده در بازار بین بانکی، الزاماً مورد تأیید معظم‌له بوده است؛ بلکه مفهوم سخن ایشان آن است که عملیات این بازار، در صورتی که در چهارچوب قوانین بانکداری بدون ربا انجام گیرد، قابل قبول خواهد بود.

در بررسی دستورالعمل مربوط، در بخش‌های مختلف نکاتی مطرح شده است. محل بحث امروز، نوع عقد مورد استفاده در معاملات بازار بین بانکی است؛ به ویژه اینکه از منظر دبیرخانه، موضوع به عقد وکالت شبانه (یا وکالت توکیلی) باز می‌گردد.

توضیح آنکه بانک‌ها در واقع وکیل سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری هستند و در بازار بین بانکی، هنگامی که بانکی دارای مازاد منابع است، به بانکی که با کسری منابع مواجه می‌باشد، به صورت شبانه وکالت توکیلی اعطا می‌کند؛ یعنی وکالت در وکالت. در این نوع عملیات، بانک دارای مازاد می‌گوید: «من وکیل سپرده‌گذاران هستم و منابع مازاد آنان را در اختیار بانکی قرار می‌دهم که دارای کسری است تا به صورت شبانه از آن استفاده کند». در ادبیات مالی، به این نوع عملیات overnight گفته می‌شود و نرخ بازده آن نیز بر اساس «نرخ شبانه» محاسبه می‌گردد.

در منابع اقتصاد کلان و پولی، از جمله آثار میثیگان، ساندرز و سایر مراجع تخصصی، بازار بین بانکی به عنوان «هسته اصلی بازار پول» و «قلب تپنده نظام پولی و بانکداری مرکزی» معرفی شده است. نرخ هم که در این بازار کشف می‌شود، نرخ مبنا یا نرخ مرجع محسوب می‌گردد و کارکردی مشابه LIBOR در نظام مالی بین‌المللی یا نرخ وجوه فدرال (در ایالات متحده) دارد. این نرخ، جهت دهنده به کلیه نرخ‌های سود در اقتصاد است؛ به گونه‌ای که تمام فعالان بازارهای پول و سرمایه تحولات و عملیات این بازار بین بانکی را به دقت دنبال می‌کنند. بنابراین، اگر در عملیات بازار بین بانکی شبهه‌ای وجود داشته باشد، اثر آن به صورت طبیعی به کل فعالیت‌های اقتصادی سرایت خواهد کرد.

در دستورالعمل بازار بین بانکی (که توسط بانک مرکزی تدوین شده است)، واژه «سود» به صراحت مشاهده می‌شود و مبنای محاسبه آن نیز در بند (۵) معاملات ذکر شده است. از مفاد و ساختار این بند چنین برداشت می‌شود که در این نوع وکالت، نرخ قطعی و از پیش تعیین‌شده در نظر گرفته شده است؛ در نتیجه، اگر این برداشت صحیح باشد، شبهه شرعی جدی نسبت به آن مطرح می‌شود؛ زیرا از منظر فقهی، وجود نرخ قطعی در عقد وکالت می‌تواند دارای شبهه ربا باشد. به عبارت دیگر، در عقد وکالت هرگاه نرخ سود به صورت ثابت و قطعی تعیین شود و از سوی دیگر فعالیت اقتصادی موضوع وکالت، ماهیت شفاف و واقعی نداشته باشد، شبهه‌ای جدی در رابطه با وجود ربا مطرح می‌شود. در این حالت، می‌توان گفت موضوع از مصادیق ربای قرضی در معاملات اولیه و ربای جاهلی در تمدید معاملات خواهد بود.

در ماده (۳) دستورالعمل نیز به نرخ سود مشخص اشاره شده و در ماده (۸) تصریح شده است که «در صورتی که نرخ اعلامی، نرخ قطعی برای معامله باشد، پذیرش آن به منزله تعهد غیرقابل فسخ و الزام‌آور تلقی می‌شود و هیچ دلیل یا شرطی برای امتناع از اجرای آن پذیرفته نیست». همان‌گونه که مشاهده می‌شود، متن دستورالعمل، از وکالت برای انجام فعالیت‌های اقتصادی سخن می‌گوید، اما در عین حال ناظر به معاملات شبانه (overnight) است؛ به گونه‌ای که گویی هر شب وکالتی

جدید اعطا می‌شود، مانند اینکه برای یک شب وکالت انجام معامله مباحه یا بیع دین داده شود. اشکال اصلی از نظر کارشناسی دبیرخانه شورای فقهی در این است که عقد وکالت از جمله عقود اذنی است و بر مبنای «اذن در تصرف» استوار است. به همین دلیل، سود حاصل در چنین عقدی باید علی‌الحساب باشد و نه قطعی. این نکته از حیث فقهی بسیار اساسی است؛ زیرا اگر نرخ سود از ابتدا به صورت قطعی و مشخص تعیین گردد، ماهیت عقد از حالت وکالت خارج شده و معامله به عقد قرض منقلب خواهد شد (در ادبیات فقهی از این موضوع با عنوان «ینقلب العقد الی القرض» یاد شده است).

مصباحی مقدم: موضوع عقدی که وکیل از آن استفاده می‌کند چیست؟

میثمی: عقد مورد استفاده، عقد وکالت است و وکالت از جمله عقود اذنی به شمار می‌آید. در چنین عقدی، ماهیت رابطه بر مبنای اذن در تصرف است، نه بر مبنای تعهد متقابل. به همین دلیل، نرخ سود در این نوع قراردادها باید علی‌الحساب تلقی شود، نه قطعی. تفاوت اساسی میان سود علی‌الحساب و سود قطعی نیز باید در فرآیند اجرایی مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس، از دیدگاه دبیرخانه، اگر در عقد وکالت، فعالیت اقتصادی واقعی وجود نداشته باشد و صرفاً به شکل ظاهری و تحت عنوان «وکالت توکیلی» انجام گیرد، شبهه‌ی جدی فقهی ایجاد می‌شود و از حیث شرعی محل اشکال است. علاوه بر این، در بازار بین بانکی نوعی تبعیض میان سپرده‌گذاران و بانک‌های موکل مشاهده می‌شود؛ زیرا نرخ‌هایی که به سپرده‌گذاران پرداخت می‌شود با نرخ‌ی که در سطح بین بانکی مبنای قرار می‌گیرد، متفاوت است.

در مقابل، دیدگاهی دیگر از این معاملات دفاع می‌کند و استدلال می‌نماید که این وجوه در نهایت وارد استخر مشاع بانک می‌شود و حتی اگر به صورت شبانه یا برای مدت کوتاهی (حتی یک دقیقه) در فعالیت‌های مشاع و واقعی قرار گیرد، به همان میزان، مشمول سهمی از سود حاصل خواهد شد. علاوه بر این، استدلال مدافعان استفاده از عقد وکالت شبانه، مبتنی بر مقایسه آن با عقود کوتاه‌مدت همچون بیع دین، مباحه، اجاره و استصناع است که در منابع فقهی سابقه دارند. به باور ایشان، این نوع معاملات می‌توانند در قالب‌هایی چون «مباحه لحظه‌ای» منعقد شوند. همچنین، در منابع فقهی بحثی با عنوان مالکیت آن‌ما مطرح است که از جهاتی مشابه عملیات وکالت شبانه تلقی می‌شود؛ هر چند به نظر می‌رسد استدلال یاد شده از منظر فقهی کامل نیست.

در بررسی تطبیقی با تجارب کشورهای اسلامی، خصوصاً بازار بین بانکی اسلامی در مالزی، مشاهده می‌شود که ابزارهای مورد استفاده در آن بازار همگی مبتنی بر عقود اسلامی هستند و در برخی موارد از عقد بیع دین بهره گرفته می‌شود. با

توجه به این تجارب، کارگروه فقهی قم مصوب کرده که موضوع وکالت شبانه از معاملات بین بانکی حذف شود و عنوان عقد جایگزین آن، عقد بیع دین قرار گیرد. برای مثال، زمانی که بانک مسکن از مشتریان خود مطالبات با سررسیدهای بلندمدت (مثلاً ۱۲ ساله) دارد، می‌تواند این دیون را در بازار بین بانکی مبادله نماید. در چنین حالتی، اگر معامله نخست مشروع باشد، تمامی معاملات بعدی نیز به تبع آن مشروع خواهد بود؛ زیرا عقد بیع دین، مورد تأیید شورای نگهبان، مقام معظم رهبری و اکثریت فقهای امامیه قرار دارد.

از این رو، عقد بیع دین از منظر فقهی و اقتصادی دارای ظرفیت گسترده‌ای برای توسعه بازار بین بانکی است؛ زیرا عقدی تملیکی می‌باشد و نه اذنی یا وکالتی. همچنین، نرخ سود در آن قطعی بوده و ویژگی‌های آن با ماهیت عملیات بین بانکی سازگار است.

پیشنهاد دبیرخانه آن است که سامانه‌ای طراحی شود تا معاملات بیع دین واقعی بین بانک‌ها از طریق آن انجام گیرد؛ به گونه‌ای که، مطالبات بانکی به راحتی منتقل شده و در سررسید بازگردانده شود. در صورتی که اجرای چنین سامانه‌ای ممکن نباشد، جمع‌بندی کارشناسی دبیرخانه شورای فقهی این است که برای معاملات وکالتی فعلی، حداقل مدت زمانی برای شناسایی سود در نظر گرفته شود (مثلاً ۳ روز)؛ چرا که هر چند از لحاظ فرضی می‌توان پذیرفت که وکالت شبانه حتی در کوتاه‌ترین بازه زمانی (یک دقیقه) با سود همراه باشد، اما از نظر عرفی و عقلایی، این تلقی پذیرفتنی نیست؛ زیرا با فعالیت‌های متعارف اقتصادی سازگار نیست. بنابراین، لازم است مدت حداقلی جهت شناسایی سود در نظر گرفته شود تا بتوان گفت وکالت به شکل صحیح عرفی اجرا می‌گردد. در نهایت پیشنهاد می‌شود در کل متن دستورالعمل، هرجا واژه «سود» آمده است، عبارت «سود علی‌الحساب» جایگزین گردد.

ابوالحسنی: اگر بخواهم بازار بین بانکی را ساده توضیح دهم، در این بازار با سه گروه بازیگر مواجه هستیم. گروه اول بانک‌هایی هستند که در پایان وقت کاری خود منابع مالی مازاد دارند. طبیعت بانک‌ها چنین است که همواره در حال جذب سپرده، سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات هستند و در برخی مواقع منابع مازاد خواهند داشت. گروه دوم بانک‌هایی هستند که در اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری‌ها دچار کسری منابع می‌شوند. این وضعیت در عمل بسیار اتفاق می‌افتد. بنابراین، بانک‌هایی که دارای مازاد منابع هستند، وارد بازار بین بانکی می‌شوند و به عنوان «سپرده‌گذار» در این بازار فعالیت می‌کنند.

بازیگر سوم نیز نهاد بانک مرکزی است که نقش حاکمیتی و نظارتی دارد و به صورت اقتصادی با بانکها تعامل می‌کند و در برخی موارد منابع مالی به بانکها می‌دهد یا محدودیت‌هایی اعمال می‌کند.

در این بازار، مدیران مالی بانکها با هم ارتباط و هماهنگی دارند و در عمل، بانکی که دچار کسری منابع است به بانکی که مازاد دارد، مراجعه می‌کند. طبیعتاً اگر بانکی منابع کافی نداشته باشد، قادر به سرمایه‌گذاری یا پرداخت تسهیلات نخواهد بود. این نکته کلیدی است که تمامی بانکها نزد بانک مرکزی دارای حساب جاری هستند و در صورت عدم ایفای تعهد بانکها، بانک مرکزی به منظور حفظ امنیت و جلوگیری از زیان مردم، مداخله خواهد کرد. در بازار بین بانکی، هنگامی که بانکی با کسری منابع مواجه می‌شود و نمی‌تواند سرمایه‌گذاری یا تسهیلات خود را به موقع تأمین کند، بانک مرکزی به عنوان «وام‌دهنده نهایی» وارد عمل می‌شود تا از مشکلات احتمالی برای سپرده‌گذاران و سایر ذینفعان جلوگیری کند. به عبارت ساده‌تر، اگر بانکی نتواند کسری منابع خود را از بانکهای دارای مازاد جبران کند، مجبور می‌شود از بانک مرکزی تسهیلات بگیرد.

این موضوع در حسابهای جاری بانکها نزد بانک مرکزی ثبت می‌شود و چنانچه بانک نتواند تعهد خود را به موقع انجام دهد، حساب آن نزد بانک مرکزی به صورت منفی درمی‌آید. این وضعیت به معنای استفاده از پایه پولی (پول پر قدرت بانک مرکزی) است که افزایش پایه پولی و نهایتاً تأثیر بر نقدینگی و تورم را به دنبال دارد. برای جلوگیری از ایجاد انگیزه‌های نامطلوب در این فرآیند، مقررات بانکی پیش‌بینی کرده است که بانک مرکزی برای دسترسی به این خطوط اعتباری، جریمه‌ای در نظر بگیرد که معمولاً نرخ آن حدود ۳۴ درصد است. یعنی اگر بانکی به جای تأمین کسری خود از بازار بین بانکی، مستقیماً به بانک مرکزی روی آورد و حسابش نزد آن منفی شود، باید هزینه جریمه سنگینی به بانک مرکزی پرداخت نماید. هنگامی که بانک مجبور به پرداخت جریمه ۳۴ درصدی به بانک مرکزی می‌شود، این هزینه در نهایت بر سوددهی آن بانک تأثیر می‌گذارد. باید توجه کرد که بانک، دارای سپرده‌گذاران متعددی است که دریافت سود حق مشروع آنها است. در صورتی که بانک به دلیل عدم مدیریت صحیح نقدینگی، مجبور به پرداخت جریمه ۳۴ درصدی شود، این مسئله بر سودی که در پایان دوره محاسباتی به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کند، تأثیر منفی خواهد گذاشت.

بنابراین، نمی‌توان به راحتی گفت که بانک بی‌توجه به بازار بین بانکی، از بانک مرکزی اضافه برداشت کند، زیرا علاوه بر مسائل مربوط به پایه پولی و نقدینگی، این اقدام به ضرر خود بانک و سپرده‌گذارانش خواهد بود. به همین دلیل، وظیفه بانک

آن است که ترازنامه خود را متعادل نگه دارد و در صورت عدم دسترسی به منابع مورد نیاز، از طریق بازار بین بانکی، از بانک‌های دارای مازاد، کسری منابع خود را جبران کند.

حال سؤال اصلی آن است که این تأمین منابع بر اساس کدام عقود شرعی انجام شود؟ بر اساس مقررات بازار بین بانکی، منابع مازاد بانک متعلق به سپرده‌گذاران آن است. یعنی سپرده‌گذاران به بانک وکالت داده‌اند تا این منابع را سرمایه‌گذاری کند. در پایان روز کاری، اگر بانکی منابع مازاد داشته باشد و بانک دیگری دچار کسری منابع گردد، بانک اول می‌تواند بگوید: «من این وکالت خود را که از سپرده‌گذاران خود دارم را به شما تفویض می‌کنم و این منابعی که در اختیار دارم را به شما می‌دهم تا برای مدت یک ساعت، دو ساعت، یک روز، پنج روز، هفت روز یا ده روز سرمایه‌گذاری کنید و سود ایجاد نمایید. در این استخر مشاع سرمایه‌گذاری، انواع پروژه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی از کوتاه‌مدت تا بلندمدت وجود دارد که در نهایت سود حاصل می‌کنند. از این نظر، «عقد وکالت توکیلی» می‌تواند چهارچوب شرعی مناسبی برای این نوع معاملات باشد.

در اینجا سؤال مهمی مطرح است؛ هنگامی که بنده به صورت شبانه منابع مازاد خود را در اختیار بانک دارای کسری قرار می‌دهم، آیا سودی که از محل سرمایه‌گذاری‌های بانک دارای کسری پرداخت می‌شود، از محل فعالیت‌های اقتصادی کوتاه‌مدت این بانک حاصل شده یا از منابع بلندمدتی که هنوز سود آن محقق نشده است؟ در مباحث بانکی، تفکیک دقیق این منابع از لحاظ مدت‌زمان و بازدهی، عملاً بسیار دشوار، بلکه غیرممکن است. در عمل، تمام منابع در استخر مشترک سرمایه‌گذاری بانک وارد و از آن خارج می‌شوند؛ بنابراین؛ وجوه سپرده‌گذاران به صورت توزیعی، در کل سبد دارایی‌های بانک قرار می‌گیرد. حال پرسش این است که آیا سودی که در چنین سازوکاری محقق می‌شود، سود واقعی است یا موهومی؟ پاسخ آن است که اصل سود واقعی است، اما به صورت مصداقی نمی‌توان آن را به شخص خاص یا حساب معینی نسبت داد؛ چرا که وجوه سرمایه‌گذاری شده به صورت مشاع به کار گرفته شده‌اند.

در نتیجه، از نظر فقهی باید بررسی شود که آیا با چنین ماهیتی، عقد وکالت و اعطای وکالت توکیلی برای انتقال وجوه به بانک دیگر (برای مدت‌های بسیار کوتاه مانند چند ساعت یا چند روز) می‌تواند مشروع و صحیح تلقی شود یا خیر. ممکن است این بحث مطرح شود که اگر بانک مرکزی بیاورد و مقرر کند که معاملات وکالتی کمتر از یک روز مجاز نباشند، آیا عنصر زمان در مشروعیت سود اثرگذار است یا خیر؟ پاسخ این است که از منظر فقهی، اصل بر واقعی بودن سود است نه طول مدت، مشروط بر آنکه سود براساس فعالیت اقتصادی مشروع و غیرموهوم تحقق یافته باشد. همچنین، نرخ سود در این معاملات قطعی نیست و طبق مقررات بانک مرکزی، به صورت علی‌الحساب تعیین می‌شود؛ تا در پایان دوره مالی، میزان سود

قطعی براساس عملکرد واقعی محاسبه گردد. از نظر اقتصادی نیز، حتی در سپرده‌های کوتاه‌مدت متعارف بانکی، سود به صورت علی‌الحساب و ماه‌شمار محاسبه می‌شود و تنها پس از پایان سال مالی، بر اساس بازده واقعی، نرخ قطعی سود مشخص می‌گردد.

رسولی: در نظام بانکی، زمانی که منابع در یک بانک افزایش می‌یابد، ممکن است بانک دیگر دچار کسری شود. بانکی که دچار کسری می‌شود باید این ناترازی را تسویه کند و ناچار است منابع لازم را از بانک مرکزی تأمین نماید. نرخ این تأمین، در شرایط فعلی، حدود ۳۴ درصد است. بنابراین، در نبود بازار بین بانکی، عملاً بانکها مستقیماً از بانک مرکزی برداشت می‌کنند. لذا به نفع اقتصاد است که بانک‌ها برای رفع نیاز نقدینگی خود مستقیماً به بانک مرکزی مراجعه نکنند.

ابوالحسنی: این نکته دقیقاً در پاسخ به پرسشی مطرح می‌شود که اگر بازارهای شبه‌بانکی یا انواع دیگر بازارهای مالی حذف شوند، آیا وضعیت بهبود می‌یابد؟ پاسخ روشن است: خیر، چنین وضعیتی به نفع اقتصاد نیست؛ چرا که فشار بر منابع پر قدرت بانک مرکزی را افزایش می‌دهد.

رسولی: در تکمیل بحث باید عرض کنم که اگر یکی از بانک‌ها، به طور مستمر و به دلیل خروج منابع مشتریان، دچار اضافه برداشت شود، در نهایت مجبور می‌گردد که اجازه برداشت از حساب را برای سپرده‌گذاران محدود نماید. این اقدام می‌تواند پیامدهای اجتماعی جدی داشته باشد، زیرا جریان پرداخت‌ها در سطح جامعه مختل می‌شود. در واقع، یکی از مهم‌ترین کارکردهای بازار بین بانکی این است که به حکمرانی پولی کمک می‌کند تا انتقال وجوه در اقتصاد به صورت روان و پیوسته ادامه یابد. این واقعیتی است که برای عموم مردم ملموس نیست، اما بانک‌ها و بانک مرکزی آن را به خوبی درک می‌کنند.

ابوالحسنی: در صورت وجود ذخایر مازاد نزد بانک‌ها، نرخ سود سپرده‌گذاری آنها در بانک مرکزی حدود کف دالان نرخ سود، مثلاً ۱۷ درصد است. لذا بانک‌ها جهت ورود منابع آزاد خود به بازار بین بانکی، دارای انگیزه اقتصادی هستند.

سعدی: سؤال دیگر آن است که بانک‌های قرض‌الحسنه (که معمولاً وکالت از سپرده‌گذاران جهت استفاده در عقود انتفاعی، ندارند) آیا می‌توانند در بازار بین بانکی فعالیت کنند؟ آیا مجازند وجوه خود را در قالب بیع یا قرض‌الحسنه در اختیار سایر بانک‌ها قرار دهند؟

ابوالحسنی: بله، در حدود ۱۰ درصد از منابع خود مجاز به این اقدام هستند.

رسولی: برداشت کلی ما «که با بانک‌ها در بازار بین بانکی به صورت مستمر در ارتباط هستیم» آن است که معاملات بازار بین بانکی در قالب «عقد وکالت عام» انجام می‌شود. این معاملات به گونه‌ای است که استخر منابع مشاع، شامل پروژه‌های سرمایه‌گذاری بلندمدتی می‌گردد که سال‌ها قبل آغاز شده و امروز به بهره‌برداری رسیده‌اند. بنابراین، عقد وکالت حتی برای بازه‌های کوتاه مدت چند ساعته نیز امکان‌پذیر است و از این طریق بانک‌ها می‌توانند منابع مازاد خود را به بهینه‌ترین شکل، مدیریت کنند. این سازوکار علاوه بر کمک به سودآوری بانک‌ها، به انضباط پولی، کاهش اتکاء به منابع بانک مرکزی و کاهش فشار تورمی نیز منجر می‌شود و در نهایت به ثبات بیشتر سیستم بانکی و اقتصاد کلان کمک می‌کند.

سعدی: همان‌گونه که آقای دکتر ابوالحسنی توضیح دادند، این وضعیت از منظر بانکی به گونه‌ای است که یک بانک در پایان روز با کسری منابع مواجه شده و به بانک دیگر مراجعه می‌کند و درخواست می‌نماید که مبلغی را قرض بگیرد؛ به این شرط که فردا اصل مبلغ قرض گرفته شده به علاوه نرخ مشخصی، بازگردانده شود. این عملیات معمولاً در بازه زمانی شبانه انجام می‌گیرد. اگر بانک دوم نیز امکان تأمین منابع را نداشته باشد، بانک اول ناچار است برای رفع نیاز نقدینگی خود، به بانک مرکزی مراجعه کند.

واقعیت آن است که نرخ ۳۴ درصد اضافه برداشت از بانک مرکزی، در حقیقت جریمه محسوب نمی‌شود، بلکه هزینه استفاده از پول پر قدرت می‌باشد. هدف از تعیین این نرخ نیز آن است که بانک‌ها برای تأمین کسری منابع خود به سمت اضافه برداشت مستقیم از بانک مرکزی سوق پیدا نکنند.

ماهیت عملیات تأمین کسری منابع در بازار بین بانکی، ممکن است ربوی باشد؛ هر چند می‌توان به لحاظ صوری، شکل قرارداد را به گونه‌ای تنظیم کرد که ظاهر آن وکالت باشد، اما بر اساس قاعده فقهی تبعیت العقود عن القصد، نباید میان قصد واقعی طرفین و صورت ظاهری عقد، اختلاف جدی و مغایرت اساسی وجود داشته باشد.

اکنون، پیشنهاد برخی از آقایان بر این است که موضوع وکالت را وارد بحث کنیم. به این معنا که بانک‌ها به یکدیگر وکالت دهند و این وکالت، عام تلقی می‌شود. در چنین حالتی، بانکی که دچار کسری منابع شده است، به بانکی که مازاد دارد، مراجعه می‌کند و می‌گوید من امشب یکصد میلیارد تومان، کسری آورده دارم؛ شما که وکیل صاحبان سپرده هستید، منابع خود را در استخر مالی بنده قرار دهید تا فردا سود حاصل را به شما پرداخت کنم. در اینجا دو نکته اساسی مطرح است

که باید حل شود: اول آنکه آیا وکالت در عقود مشارکتی به طور مطلق از حیث فقهی اشکال ندارد؟ و دوم، اگر بانکی که دارای مازاد منابع است، تنها برای یک شب سرمایه خود را در اختیار بانک دیگر قرار دهد، آیا چنین اقدام کوتاهمدتی می‌تواند مصداق تحقق عقد مشارکت عرفی محسوب شود؟ در این زمینه نظریه «استخر مشاع» مطرح شده است که لازم است با دقت بیشتری بررسی شود.

همچنین پیشنهاد بنده آن است که به جای ورود در مباحث پیچیده و مبهم، سازوکار معاملات بین بانکی بر اساس مبادله اوراق مالی طراحی کنیم. به این معنا که بانک‌ها بتوانند از اوراق تأمین مالی کوتاهمدت استفاده نمایند. در این حالت، اگر بانکی دچار کسری شود، می‌تواند این اوراق را فروخته و به نقدینگی دست یابد.

ابوالحسنی: اگر سپرده‌گذار بتواند وجوه خود را در بانک قرار دهد و بعد از چند ساعت برداشت کند و در همان مدت نیز به او گفته شود که شما به میزان چند ساعت شراکت داشتید و اکنون سهم سود خود را دریافت کنید، به نظر می‌رسد این اقدام با ماهیت عقد وکالت سازگاری دارد.

واعظی: آیا در این حالت واقعاً شخص سپرده‌گذار در طرح‌های مشارکتی سهیم بوده است یا صرفاً در قالب همان استخر مالی مشارکت داشته است و سود او از آن محل تأمین شده است؟

ابوالحسنی: اگر بانکی منابع نقدی در اختیار داشته باشد، چه برای یک ساعت، چه دو ساعت، ده ساعت یا حتی یک روز، فرصت‌های سرمایه‌گذاری متعددی پیش روی اوست، از جمله موارد کوتاهمدت. بانک به طور طبیعی در پی کسب سود است و از همین روش‌ها استفاده می‌کند. در واقع، بانک به وکالت از سپرده‌گذاران با منابع آنها فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد. در گذشته، پرداخت سود سپرده‌گذاران بانکی به صورت روزانه انجام می‌شد، اما سال‌های اخیر، پرداخت‌ها ماهانه شده است. مبنای مشروعیت پرداخت روزانه نیز آن بود که بانک در طول روز ده‌ها یا صدها معامله انجام می‌دهد که برایش سودآور است. با این حال، نمی‌توان به صورت قطعی مشخص کرد دقیقاً چه میزان از آن سود به یک سپرده کوتاهمدت تعلق دارد، لذا متناسب با ماهیت عقود اسلامی، پرداخت قطعی سود باید پس از پایان دوره و تحقق واقعی آن صورت گیرد.

مصباحی‌مقدم: در خصوص عقد مرابحه، از منظر فقهی هیچ اشکالی وجود ندارد و این عقد می‌تواند در همان لحظه انجام گیرد؛ حتی ممکن است هر شب عقد مرابحه جدیدی منعقد شود. اکنون نیز بخش مهمی از تأمین مالی بانک‌های کشور از طریق عقود کوتاهمدت، به ویژه قراردادهای مرابحه انجام می‌شود. همچنین، برخی ابزارهای کوتاهمدت دیگر مانند

قرارداد بیع دین نیز در سیستم بانکی رایج است. بنابراین، لزوماً این گونه نیست که منابع بین بانکی باید در قالب عقد مشارکت به کار گرفته شود.

باید توجه داشت که اگر چه در این نوع وکالت‌ها، امکان تحقق سود به صورت کوتاه‌مدت وجود دارد، ولی از نظر عرفی و اجرایی چندان شایع و قابل درک نیست که فرد در عقد وارد شود و بلافاصله سود دریافت کند. از این رو، بهتر است به جای ورود در مباحث محل مناقشه، به سمت عقود حرکت کنیم که کمترین ابهام فقهی و عرفی را دارند؛ از جمله همان مباحثه، بیع دین و یا ساختارهای مبتنی بر معامله اوراق مالی اسلامی.

در همین راستا، پیشنهاد استفاده از اوراق بهادار اسلامی (در بازار بین بانکی) که مطرح شد، از نظر بنده نیز بهترین راه حل است. زیرا اساساً بانک مرکزی پیش‌تر به بانک‌ها اعلام کرده بود که بخشی از منابع خود را در قالب اوراق مالی نگهداری کنند. البته در عمل، بانک‌های دولتی نسبت به این الزام پایبند بوده‌اند، اما برخی از بانک‌های خصوصی یا به طور کامل اجرا نکرده‌اند یا به صورت محدود اقدام کرده‌اند. در صورت اعمال چنین مقرراتی از سوی بانک مرکزی، مبنی بر آنکه بانک‌ها برای استفاده از بازار بین بانکی موظف به خرید اوراقی نظیر اسناد خزانه اسلامی باشند، دیگر مناقشات فقهی و شرعی در این حوزه نیز مرتفع خواهد شد.

ابوالحسنی: در این باره که آیا می‌توان در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت سود ایجاد کرد، از حیث مفهوم عرفی و نظری استخر مشاع، این موضوع قابل درک و پذیرش است. با این حال، اگر بخواهیم از منظر تحقق واقعی بررسی کنیم، باید بپذیریم که هنوز جای تأمل و بررسی بیشتری وجود دارد تا معلوم شود آیا در عمل چنین تحقق واقعی اتفاق می‌افتد یا خیر. در حال حاضر، اوراقی که دولت منتشر می‌کند (اعم از انواع اوراق بدهی، اسناد خزانه یا سایر ابزارها) عموماً توسط بانک‌ها خریداری می‌شود و سپس بانک‌ها این اوراق را مجدداً به بانک مرکزی می‌فروشند. در مقابل، بانک مرکزی وجه نقد را به آنها پرداخت می‌کند. این فرآیند ممکن است در قالب‌های زمانی مختلف انجام گیرد؛ برای مثال، برخی اوراق یک‌هفته‌ای، سه‌ماهه یا تا ۹۰ روزه هستند و عمدتاً در بازار بین بانکی مبادله می‌شوند. با این حال باید توجه کرد که حجم اوراق موجود در ترازنامه بانک‌ها محدود است. البته به نظر می‌رسد مقصود شما از «اوراق» نوع دیگری از ابزار مالی بوده است، شاید مشابه آنچه بنده نیز در ذهن دارم و در ادامه می‌توان به عنوان پیشنهاد اولیه مطرح کرد. بانک‌ها دارای مطالبات و دارایی‌های متنوعی هستند و می‌توانند بر اساس آنها اوراقی منتشر کنند. این اوراق لزوماً نباید مبتنی بر «بیع دین» باشند. به عنوان مثال، بانک ممکن

است دارایی‌هایی چون ساختمان یا سایر دارایی‌های سرمایه‌ای باشد که بتواند بر مبنای آنها اوراق انتشار دهد، هرچند طبیعی است چنین اوراقی همیشه خریدار گسترده‌ای نخواهد داشت. بخشی از این اوراق می‌تواند نزد بانک باقی بماند و در مواقعی که به نقدینگی نیاز دارد، با سایر بانک‌ها وارد تعامل شود و از آنها بخواهد بخشی از این اوراق را خریداری کنند. در چنین شرایطی، بانک‌ها با مذاکره و چانه‌زنی متقابل می‌توانند منابع یکدیگر را مدیریت کنند. شاید بتوان از این سازوکار نیز به عنوان راهکاری تکمیلی در کنار روند فعلی بازار بین بانکی استفاده کرد تا ضمن حفظ واقعیت اقتصادی بازار، ابعاد فقهی آن نیز تقویت و اصلاح شود.

رضایی: اجازه دهید مسئله عقود مشارکتی را از منظر تحقق واقعی توضیح دهم؛ به نظر می‌رسد در این صورت سایر مباحث نیز روشن می‌شود. فرض کنید در قالب یکی از عقود مشارکتی مانند مزارعه عمل می‌کنیم. من به عنوان کشاورز از بانک تسهیلات دریافت کرده‌ام یا در حال زراعت هستم و برای ادامه کار به آب نیاز دارم. آب، در چشمه موجود است، اما در مقطعی دچار اختلال می‌شود. در این وضعیت، به فردی که تانکر حمل آب دارد می‌گویم: سه ساعت آب در اختیار مزرعه من بگذار، تا در سود محصول با تو شریک شوم. این وضعیت، مصداق روشن مشارکت واقعی است که در عین کوتاه‌مدت بودن، تحقق عرفی و عملی مشارکت را دارد؛ زیرا همان سه ساعت، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ و بقای محصول دارد.

در نظام بانکی نیز شرایط مشابهی برقرار است. سرمایه‌گذاری‌های بانک‌ها بسیار متنوع‌اند؛ از خرید و ساخت ساختمان گرفته تا معاملات کالا و بهره‌گیری از نیروی کار. عملیات بانک‌ها در طول شبانه‌روز ادامه داشته و عملاً تعطیلی در گردش سرمایه بانکی وجود ندارد. امروزه، خدمات بانک‌ها به صورت شبانه‌روزی ارائه می‌شود و عملیات مالی در هر ساعت از شبانه‌روز ممکن است وقوع یابد؛ حتی بنده شخصاً نیمه‌شب از کارت بانکی استفاده می‌کنم و هم‌زمان از منابع کوتاه‌مدت و بلندمدت بهره‌برداری صورت می‌گیرد. در همین راستا، مثلاً بانکی را در نظر بگیرید که بامداد اعلام می‌کند معامله‌ای سودآور در بورس دارد و نیازمند تأمین سریع وجه نقد است. به بانک دیگر مراجعه کرده و می‌گوید: لطفاً ۱۰۰ میلیارد تومان در اختیارم بگذار، تا ظهر معامله را انجام دهم و وجه را بازگردانم. این مصداقی از مشارکت اقتصادی چندساعته است که منجر به سودآوری ملموس می‌شود. همچنین ممکن است بانک‌ها در فرصت‌های مشابه با خرید و فروش کوتاه‌مدت اوراق بازار سرمایه یا حتی طلا و سکه‌ای که بانک مرکزی عرضه می‌کند، طی چند ساعت وارد فرآیند سرمایه‌گذاری و بازدهی شوند.

بنابراین، از نظر عملی، مشارکت‌های کوتاه‌مدت در مقیاس بانکی کاملاً قابل تحقق است و در قالب عقود اسلامی نیز می‌تواند تبیین شرعی داشته باشد. در بسیاری از معاملات اعم از مباحه و بیع دین، ماهیت معاملات لحظه‌ای مطرح است.

مصباحی‌مقدم: هدف ما احراز این نکته است که معاملات صورت‌گرفته جنبه صوری نداشته باشد و در تطابق با موازین شرعی باشد.

سعدی: بنده با این دیدگاه موافق نیستم؛ زیرا لازم است شفاف بیان شود که در بازار بین بانکی چه عملیاتی انجام می‌شود؟ به ویژه در خصوص معاملات قرضی، اگر این عملیات ربوی انجام نمی‌شود لازم است توضیحات مرتبط ارائه گردد.

رسولی: ما همواره با خزانه‌داران بانک‌ها در ارتباط هستیم و به فراخور نیاز، بانک‌های مختلف را دعوت و روند انتخاب سپرده‌گذاری و یا سپرده‌پذیری را از آنها جویا می‌شویم. در این زمینه، نرخ‌های سود (مبنای فعالیت بانک مذکور در بازار بین بانکی) در جلسات هیئت مدیره و هیئت عامل بانک تعیین می‌گردد. اگرچه گفت‌وگوها ممکن است جنبه غیررسمی داشته باشد و به خرید و فروش پول تعبیر شود، اما آنچه در واقعیت پشت این معاملات وجود دارد مطالعات حقوقی، اقتصادی و فنی است که هیئت مدیره بانک‌ها انجام داده‌اند تا تصمیم‌گیری بهینه صورت گیرد. لذا اقداماتی مانند سپرده‌گذاری در بازار بین بانکی، مبتنی بر بررسی‌های کارشناسی و مطابق با اصول بانکداری بدون ربا اجرا می‌شود.

سعدی: همانگونه که اشاره شد، قرائن و شواهد مختلفی برای تشخیص ماهیت واقعی معاملات وجود دارد. نگرانی عمده ما هزینه تأمین پول است و باید میان واقعیت عملی و صورت حقوقی تمایز قائل شویم تا امکان اصلاح سیاست‌ها و روش‌ها فراهم گردد.

مصباحی‌مقدم: متأسفانه ادبیات رایج در نظام بانکی کشور ما همچنان مبتنی بر مفاهیم و اصطلاحات ربوی است. ما قراردادهایی تنظیم می‌کنیم که ممکن است بانک‌ها در عمل مطابق آن رفتار کنند یا خیر؛ نخستین گام، اصلاح محتوای قراردادهای بانکی و تنظیم صحیح آنها بر مبنای اصول شرعی است و در گام بعدی باید به اصلاح ادبیات گفتاری پرداخت. زیرا هنوز مشاهده می‌شود که برخی مقامات، در سخنان خود از «ترخ بهره» سخن می‌گویند. این امر نشان می‌دهد که مفهوم بهره همچنان بر ذهن و نظام فکری آنان حاکم است؛ در حالی که در چهارچوب بانکداری اسلامی چنین مفهومی جایگاهی ندارد.

در واقع، در نظام بانکی موجود، همچنان مفهوم بهره حاکم است؛ یعنی در برخی موارد سود پول دریافت می‌شود و این در عمل همان بهره است. حتی در نظام حسابداری بانکی نیز چنین رویکردی مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، سپرده‌های وکالتی که در بانک‌ها نگهداری می‌شود، در ادبیات بانکداری به عنوان «دین بانک به سپرده‌گذاران» تلقی می‌گردد و در حسابداری نیز همین عنوان به کار می‌رود. این مسئله نشان می‌دهد که اصلاح مفاهیم و بازنگری در ادبیات گفتاری نظام بانکی همچنان یک ضرورت جدی است.

لارم است توجه شود که سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها در واقع دیون بانک به سپرده‌گذاران نیست، بلکه امانت‌هایی هستند که به صورت وکالتی در اختیار بانک قرار گرفته‌اند تا در به‌کارگیری وجوه به نیابت از صاحبان سپرده‌ها استفاده شود. بر این اساس، ید بانک در این رابطه، ید امانی است نه ید ضمانی. همچنین سودی که به سپرده‌گذاران پرداخت می‌شود، از منظر حسابداری در ستون بدهی‌های بانک درج می‌گردد، اما باید توجه داشت که این نوع ادبیات و ثبت، برگرفته از نظام حسابداری ربوی است و با مبانی فقهی بانکداری اسلامی انطباق ندارد.

ابوالحسنی: وجود حساب برای بانک‌ها نزد بانک مرکزی یک ضرورت عملیاتی در نظام بانکی است. در نظام بانکداری جدید، سامانه‌ای تحت عنوان «ساتنا» یا «سامانه تسویه ناخالص آنی» فعالیت می‌کند که کارکرد آن، ایجاد امکان انتقال و تسویه آنی وجوه میان بانک‌هاست. به بیان دیگر، این سامانه باعث می‌شود تا مشتریان بتوانند در هر لحظه، بدون توجه به بانک طرف حساب، عملیات برداشت یا واریز را انجام دهند. برای نمونه، هنگامی که دارنده کارت بانک ملت از دستگاه خودپرداز بانک ملی وجه برداشت می‌کند، این تبادل از طریق سامانه ساتنا انجام می‌گیرد که به حساب‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی متصل است، بنابراین وجود این حساب‌ها نزد بانک مرکزی امری ضروری است. اما در خصوص تعلق سود به مانده این حساب‌ها باید گفت، چنانچه بانک‌ها وجوه مازاد خود را به صورت سپرده نزد بانک مرکزی نگهداری کنند، به این مبالغ سودی تعلق نمی‌گیرد، بلکه بانک مرکزی در موارد خاص ممکن است بابت خوش‌حسابی بانک‌ها، مبلغی را به عنوان پاداش حاکمیتی پرداخت کند (بدون تعهد و به صورت هبه یک طرفه). این پرداخت در واقع نوعی جایزه است، نه سود به معنای متعارف آن.

در مقابل، چنانچه حساب بانک نزد بانک مرکزی منفی شود، یعنی بانک برای انجام تعهدات خود از منابع بانک مرکزی برداشت کند، به این برداشت عنوان «اضافه برداشت» داده می‌شود و مشمول جریمه‌ای معادل حدود ۳۴ درصد خواهد بود.

این جریمه به دلیل عدم رعایت تعادل بین منابع و مصارف و همچنین قصور در نگهداری ذخایر لازم اعمال می‌شود. بر اساس ضوابط، بانک‌ها موظف‌اند به اندازه نیاز نقدینگی حدود ۳۰ روز آینده خود، ذخایر کافی نزد بانک مرکزی نگهداری کنند تا از بروز چنین کسری‌هایی جلوگیری شود. حساب‌های جاری بانک‌ها نزد بانک مرکزی، حساب‌های عملیاتی هستند و ماهیت آنها با حساب‌های جاری معمول نزد مردم متفاوت است. این حساب‌ها برای تضمین انجام عملیات روزانه نظام بانکی ضرورت دارند.

مصباحی‌مقدم: به نظر می‌رسد مناسب است جمع‌بندی این بحث را ارائه کنیم. ظاهراً آنچه مورد توافق نظر فقهای محترم می‌باشد، آن است که معاملات میان بانک‌ها می‌تواند در قالب مبادله اوراق انجام گیرد. یعنی در صورتی که اوراقی از پیش تعریف شده و در گردش وجود داشته باشد، بانک‌ها می‌توانند از همان اوراق استفاده کنند. به این معنا که بانکی که دارای کسری منابع است، اوراق خود را به بانک مرکزی بفروشد (و یا تنزیل کند) و به نقدینگی دست یابد. همچنین بانکی که با مازاد منابع مواجه است، در قالب خرید یا تنزیل همان اوراق، منابع لازم را در اختیار بانک مرکزی قرار دهد.

این الگو در واقع یک پیشنهاد است که می‌تواند ما را از وضعیت شبهه‌ناک در مبادلات بین بانکی خارج سازد. همچنین، به یاد دارم که بانک مرکزی پیش‌تر تکلیفی برای بانک‌ها مقرر کرده بود مبنی بر اینکه درصدی از نقدینگی خود را صرف خرید اوراق نمایند و این اوراق را به عنوان ذخیره نگهداری کنند. این اوراق می‌تواند از نوع اوراق دولتی یا اوراق شرکت‌ها باشد که در هر دو حالت، امکان استفاده از آنها در مبادلات بین بانکی فراهم است.

ابوالحسنی: هر چند استخر منابع مشاع به صورت کلی عمل می‌کند، اما در واقع، چنانچه قراردادهای مبتنی بر عقود مبادله‌ای تنظیم شوند، تطبیق بیشتری با مبانی شرعی و ساختار کوتاه‌مدت عملیات بین بانکی خواهند داشت.

میثمی: بنابراین در خصوص سپرده‌گذاری وکالتی، در بازار بین بانکی توصیه می‌شود که از این منابع جهت عقود مبادله‌ای (به ویژه بیع دین) استفاده شود.

واعظی: محاسبه سود در این نوع سپرده‌های بانکی بسیار دشوار است و هیچکس نمی‌تواند دقیقاً مشخص کند در یک بازه کوتاه مدت، مثلاً یک‌شنبه، چه میزان سود ایجاد شده است؛ بنابراین پرداخت سود باید به صورت علی‌الحساب باشد.

ابوالحسنی: فرض کنید روزانه ده‌ها هزار تراکنش و ورود و خروج منابع مالی در این حساب‌های بین بانکی اتفاق می‌افتد. عملاً امکان ندارد بتوان با دقت رصد کرد که وجوه پرداختی هر بانک دقیقاً در کدام معامله به کار رفته است. با این حال، برآیند عملیات در پایان دوره مالی مشخص می‌گردد. یعنی زمانی که صورت‌های مالی بسته می‌شود، مازاد ایجاد شده محاسبه گردیده و بر اساس آن، سهم هر سپرده‌گذار متناسب با مبلغ، مدت و نرخ، محاسبه و پرداخت می‌شود.

سعدی: از آنجا که محاسبه سود قطعی در پایان سال مالی صورت می‌گیرد، پرداخت‌ها در طول سال به صورت علی‌الحساب انجام می‌شود. البته در فضای بین بانکی، این شیوه پرداخت با ملاحظات خاص خود مواجه است.

ابوالحسنی: شورای فقهی می‌تواند توصیه کند که در صورت استفاده از عقد وکالت برای سپرده‌گذاری، محاسبه سود قطعی در پایان سال حتماً انجام شود؛ همانگونه که در سایر سپرده‌ها نیز معمول است، این قاعده باید در معاملات بین بانکی نیز رعایت شود.

رضایی: در موضوع سپرده‌های سرمایه‌گذاری نیز پیش‌تر مقرر شد؛ اگر فردی سپرده‌گذاری می‌کند، سود علی‌الحساب مثلاً ۱۸ درصد به وی پرداخت شود و در پایان سال، پس از محاسبه نهایی، مابه‌التفاوت سود واقعی و علی‌الحساب به او پرداخت خواهد شد.

میرعمادی: همان‌گونه که پیش‌تر نیز در جلسات مطرح شد، در دستورالعمل محاسبه و تقسیم سود مشاع، نحوه تعیین سود قطعی پیش‌بینی گردیده است. در جداول و سرفصل‌هایی که به بانک‌ها ابلاغ شده نیز نحوه محاسبات درج شده است. بنابراین، چنانچه در پایان سال مالی سود قطعی بیش از سود علی‌الحساب باشد، منطقی است که سهم متناسبی به سپرده‌گذاران که در اینجا بانک‌ها هستند، اختصاص یابد.

سعدی: دغدغه همیشگی بنده، تفاوت میان صورت واقعی و صورت حقوقی عملیات است و در اینجا لزوم پرهیز از صوری‌سازی معاملات بین بانکی را یادآوری می‌کنم. هر چند در متن دستورالعمل سود مشاع آمده که اگر سود قطعی از علی‌الحساب بیشتر باشد، مابه‌التفاوت آن پرداخت می‌شود، اما در عملیات بین بانکی، در عمل محاسبه و پرداختی صورت نمی‌گیرد؛ مثلاً بانک «الف» امشب صد واحد منابع می‌خواهد، فردا نیز هزینه آن را پرداخت کرده و تسویه می‌کند، بدون اینکه مجالی برای بازنگری در سود واقعی ایجاد شود.

میرعمادی: محاسبه سود در پایان دوره مالی انجام می‌گیرد، نه در طول دوره. نسبت به کل عملکرد دوره، اگر سود قطعی در مجموع بیش از سود علی‌الحساب باشد، باید به تمامی انواع سپرده‌گذاران، از جمله بانک‌هایی که حتی برای یک شب سپرده‌گذاری کرده‌اند، سهم متناسبی تعلق گیرد.

ابوالحسنی: در صورتی که عقد صلح به عنوان مبنای تکمیلی در این سازوکار گنجانده شود، از لحاظ فقهی اطمینان بیشتری حاصل خواهد شد.

میثمی: بر اساس ماده (۵) دستورالعمل اجرایی معاملات در بازار بین بانکی علاوه بر روش وکالت، پنج روش دیگر ذکر شده که هیچیک از منظر شرعی محل اشکال تشخیص داده نشده است. در خصوص استفاده از عقد وکالت به صورت شبانه، شورای فقهی می‌تواند دو توصیه ارائه کند:

الف) منابع حاصل از وکالت صرفاً در عقود مبادله‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

ب) در متن دستورالعمل، بر علی‌الحساب بودن سود وکالتی به صراحت تأکید شود.

پ) برای شناسایی سود در معاملات وکالتی (در بازار بین بانکی)، حد اقلی از زمان مثلاً سه روز در نظر گرفته شود.

حال در صورت ضرورت، می‌توان موضوع «عقد صلح» را نیز به عنوان بند الحاقی مورد اشاره قرار داد، چرا که در نسخه فعلی دستورالعمل عقد صلح ذکر نشده است.

ابوالحسنی: همان‌طور که اشاره شد، لازم است در بخش مربوط به محاسبه تفاوت سود قطعی و علی‌الحساب (در متن دستورالعمل بین بانکی) تصریح شود که این محاسبه در چهارچوب دستورالعمل سود مشاع صورت می‌گیرد.

میرعمادی: در واقع جریان عملیات به صورت «استخر منابع» انجام می‌شود؛ یعنی مجموعه منابع وارد یک چرخه واحد شده و بازدهی متوسطی به دست می‌آید.

سعدی: به نظر می‌رسد لازم است طراحی اوراقی جدید برای بازار بین بانکی مورد تأمل قرار گیرد تا هیچ‌گونه شائبه صوری‌سازی در آن وجود نداشته باشد.

میثمی: پیشنهاد کارشناسی دبیرخانه در رابطه با این ابزار جدید، عقد بیع دین است. یعنی بانکها روابط مالی خود را در بازار بین بانکی بر اساس عقد بیع دین ساماندهی کنند.

سعدی: استفاده از عقد بیع دین صحیح است اما ممکن است موارد دارایی‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که بتوان بر اساس آنها طراحی اوراق انجام داد. برای مثال، بانکی ممکن است دارای دارایی‌های غیرمنقول باشد و بر اساس آن، اوراقی طراحی کند. لذا در مواقعی که به نقدینگی نیاز دارد، می‌تواند این اوراق را به صورت موقت واگذار کند و پس از تأمین نیاز مالی، مجدداً آن را بازخرید نماید. در این سازوکار نه شائبه شرعی مطرح است و نه مبحث صوری‌سازی.

ابوالحسنی: می‌توان جمع‌بندی جلسه را به این صورت ارائه کرد که طرحی تحقیقاتی در رابطه با «طراحی ابزارهای جدید اسلامی جهت معاملات بین بانکی» انجام شود و نتایج در شورای فقهی ارائه گردد.

ختم جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.